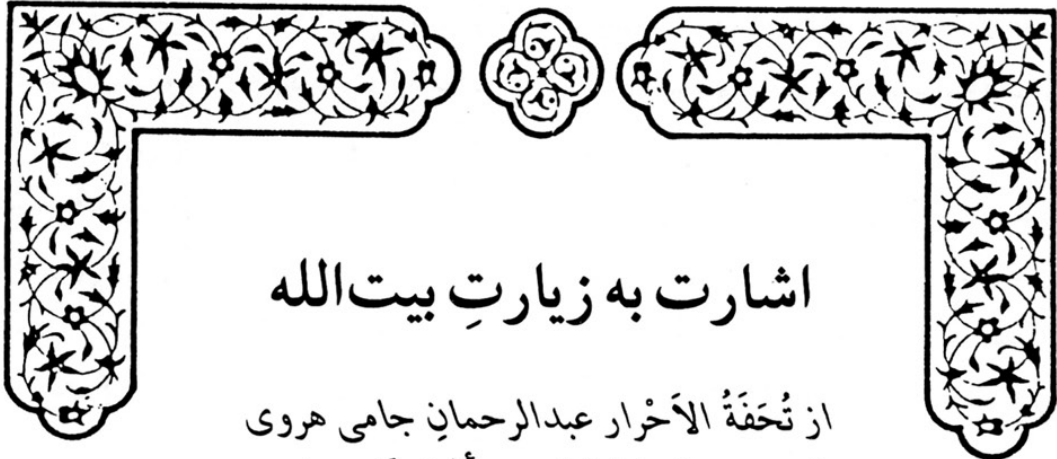


حج در آینه ادب فارسی



اشارت به زیارتِ بیت الله

از تُحَفَّةُ الْأَخْرَارِ عبدالرحمانِ جامی هروی
که در سنهٔ ۸۸۶ قمری تألیف کرده است

(عبدالرحمان جامی هروی در سال ۸۷۷ در ۵۸ سالگی به حج مشرف شد و رساله‌ای در حج نگاشت)

روی نه از خانه به رُکن و مقام
راحله از پاکن و اندر ره آی
به که سرا پردهٔ سلطان کند
شو چو شتر گرم رود تیز پای
رخت به میقاتِ تجرُود رسان
خلعتِ سوزن زده از تن بکش
آر برون از همه، سوزن مثال

دین ترا تا شود آرکان تمام
گر نه بُود راحلهٔ باد پای
سایه بفرقت که مَغیلان کند
بانگِ حدی بشنو و صوتِ درای
بار به میعادِ تعبُّد رسان
رشتهٔ تدبیر ز سوزن بکش
هرچه دران بخیه زدی ماه و سال

گر نه زمرگشت فراموشیت
لب بگشایافتن کام را
موی پژولیده و رخ گردناک
رو به حرم کن که در آن خوش حریم
صحن حرم روضه خلد برین
تا شگنی شیشه ناموس و ننگ
چو تو از آن سنگ شوی بوسه چین
سوی قدمگاه خلیل الله آی
از لب زمزم شنو این زمزمه
تا نشود در عرفات وقوف
گنجش منی را به مناریز خون
سنگ بدست آر ز رمی جمار
چون دل از این سنگ بپرداختی
شکر خدا گوی که توفیق داد
ورنه، که یازد که به آن ره بزد!

به که بود کار کفن پوشیت
نمره لبیک زن احرام را
سینه خراشیده و دل دردناک
هست سیه پوش نگاری مقیم
او بچنان صحنی مربع نشین
کرده نهان در ته دامانت سنگ
بوسه زن دست که باشی؟ ببین!
پا چو نیابی، به رهش دیده سای
کز نم ما زنده دلند این همه
کی شود از راه نجات وقوف
نفس دنی را به فنا کن زبون
دیو هوا را کن از آن سنگسار
کار حج و عمره بهم ساختی
ره بسوی خانه خویش گشاد
ورچه شود مرغ بدان ره پرد